

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سلیم لامرانی* - Salim Lamrani

برگردان از: حمید محوی

۰۹ می ۲۰۱۴

۲۵ حقیقت درباره [گزارشگران بی مرز]



تصویر از سایت گزارشگران بدون مرز (ایرانی)

به مناسبت روز جهانی آزادی مطبوعات، گزارشگران بدون مرز برای نخستین بار فهرست ۱۰۰ قهرمان اطلاع رسانی در جهان را منتشر می‌کنند (۱)

۱۰۰۰۰ قهر با ما؟

گزارشگران بی مرز را بهتر بشناسیم

پیشگفتار مترجم: برای خوانندگان گاهنامه هنر و مبارزه باید یادآور شوم که علت وجودی گاهنامه هنر و مبارزه، مبارزه علیه دروغ و خیانت کاری‌ها (از خصائل و سجایای طبقه بورژوازی وابسته و معامله گر به عنوان نماینده و مباشر قدرت‌های استعماری-امپریالیستی در کشورهای استعمارزده مانند استعمارکده ایران) و ابتذال رسانه‌ی مجموعه‌ای بود که پیکره‌اپوزیسیون ایرانی در غرب را تشکیل می‌دهد. ایرانیان باید بدانند و باز هم باید بیشتر بدانند که چنین وضعیتی مستقیماً محصول کشور استعمار زده ما می‌باشد در غیر این صورت امکان پذیر نبود که کشوری بتواند این همه ابله و خیانتکار تحویل دنیا بدهد. ولی آیا واقعا فرهنگ ایرانی تا این اندازه دچار اضمحلال شده است؟ چرا هنوز غربی‌ها ما ایرانی‌ها را وحشی و یا در بهترین حالت نیمه وحشی تلقی می‌کنند؟ در گاهنامه هنر و مبارزه بارها مدافعان حقوق بشر و یا «گزارشگران بدون مرز» را به عنوان تروریست‌ها و اوباشان حرفه‌نی عصر جدید، و خاصه به عنوان بلندگوی ایدئولوژی بورژوازی کمپرادور ایران و عاملان ناتوی فرهنگی معرفی کرده

ام. در این نوشته دلایل بیشتری در تأیید این داوری خواهید یافت. پیش از این چند مقاله دیگر از این پژوهشگر دانشگاهی و روزنامه نگار آترناتیو درباره مسائل کوبا برای گاهنامه هنر و مبارزه ترجمه و منتشر کرده بودم که احتمالاً به یاد می آورید (۳).

(۱) لینک سایت گزارشگران بدون مرز. بر آن بودم که این مقاله را برای خود گزارشگران بدون مرز بفرستم ولی با شگفتی هر چه بیشتر در سایت آنها در پی آدرس و یا «تماس با ما» گشتم، کمتر یافتم. روابط عمومی این سازمان گویا که چندان تعریفی ندارد. غیرقابل دسترسی سازی سایت برای عموم نیز احتمالاً یک نوع دفاع غیر عامل به نظر می رسد.

<http://www.rsf-persan.org>

۲)

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/532>

(۳) سلیم لامرانی . دیپلماسی کوبا و اپوزیسیون رژیم کوبا. در ۶ بخش

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/35>

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/36>

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/37>

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/38>

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/39>

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/40>

سازمان فرانسوی مدعی است که تنها از آزادی بیان و نشریات دفاع می کند. ولی حقیقت امر این است که در پشت این ظاهر آراسته و شرافتمند، برنامه سیاسی کاملاً مشخصی پنهان شده است...



۱. گزارشگران بی مرز سال ۱۹۸۵ توسط روزنامه نگاران فرانسوی روبرت منارد، ژان کلود گیبود و رونی برومن (پزشک و بشر دوست اسرائیلی با ملیت فرانسوی) بنیانگذاری شد، و مأموریت رسمی آن « دفاع از آزادی مطبوعات در جهان، یعنی حق برخورداری از اطلاعات و کسب اطلاعات، و باز هم یعنی حقوقی که در ماده ۱۹ منشور جهانی حقوق بشر به ثبت رسیده است ».

۲. با این وجود، و با وجود این حرفه با اصول و اعتقادی که رسماً اعلام کرده، گزارشگران بی مرز دارای وجوه تاریک و مبهمی نیز بوده و دارای برنامه سیاسی کاملاً مشخصی می باشند که غالباً با واشینگتن در انطباق به سر می

برند، و به ویژه در حالی که از کشورهای توسعه یافته دفاع می کنند، علیه دولت های چپ گرای امریکای جنوبی موضع می گیرند.

۳. می بینیم که گزارشگران بی مرز از سوی دولت ایالات متحده و در نقطه پیوست با بنیاد ملی برای دموکراسی(۱) تأمین مالی می شود. البته سازمان گزارشگران بی مرز این موضوع را به هیچ عنوان کتمان نمی کند: « کاملاً صحیح است، ما از بنیاد ملی برای دموکراسی پول دریافت می کنیم. این موضوع برای ما هیچ مشکلی ایجاد نمی کند ».

۴. بنیاد ملی برای دموکراسی توسط رئیس جمهور امریکا رونالد ریگان به سال ۱۹۸۳ ایجاد شد یعنی در دورانی که در زمینه مناسبات بین المللی خشونت نظامی از دیپلماسی سنتی پیشی گرفته بود. به مدد قابلیت نفوذ مالی، بنیاد ملی برای دموکراسی هدفش تضعیف دولت هائی بود که با سیاست خارجی واشینگتن مخالفت می کردند.

۵. مبنی بر گزارش نیویورک تایمز، [مقاله مارچ ۱۹۹۷]، « بنیاد ملی برای دموکراسی ۱۵ سال پیش از این ایجاد شد تا رسماً کاری را انجام دهد که آژانس مرکزی اطلاعات (سیا یا سی. آی. ای.) طی ده ها سال به شکل مخفیانه انجام می داد. این بنیاد ۳۰ میلیون دالر در سال برای پشتیبانی از احزاب سیاسی، سندیکاها، جنبش های مخالف و رسانه های خبری در ده ها کشور خرج می کند ».

۶. سپتمبر ۱۹۹۱، آلن واینشتاین (۲)، پدر خوانده قانونگذاری که بنیاد ملی برای دموکراسی را به وجود آورد، در واشینگتن پست چنین اعلام کرد: « بسیاری از کارهایی را که ما امروز انجام می دهیم، سیا طی ۲۵ سال گذشته به شکل مخفیانه انجام می داد ».

۷. کارل گرشن، نخستین رئیس بنیاد ملی برای دموکراسی در جون ۱۹۸۶ علت وجودی بنیاد را چنین تعریف کرده است: « برای گروه های دموکراتیک در جهان بسیار مشکل است که به عنوان گروه هائی شناخته شوند که از سوی سازمان سیا بودجه دریافت می کنند. ما طی سال های ۱۹۶۰ با این مشکل روبه رو بودیم، و به همین علت به این روند خاتمه دادیم. در نتیجه از آن «جائی که نمی توانستیم مثل گذشته عمل کنیم بنیاد ملی برای دموکراسی را ایجاد کردیم ».

۸. بر این اساس، به گفته نیویورک تایمز، آلن واینشتاین و کارل گرشن، گزارشگران بی مرز پرده استتار سیا بوده و تأمین مالی می شود.

۹. گزارشگران بی مرز هم زمان از سوی سازمان مرکزی برای آزادی کوبا (۴) پول دریافت کرده است. مدیر این سازمان در آن دوران، فرانک کلزون (۵)، در گذشته یکی از رؤسای بنیاد ملی کوبا-امریکا بود. این بنیاد قویاً در عملیات تروریستی علیه کوبا بسیج شده بود، که بعدها یکی از مدیران قدیمی آن خوزه آنتونیو لاما (۶) افشاء کرد.

۱۰. گزارشگران بی مرز از «بنیاد اووربروک» (۷) پول دریافت کرده است، سازمانی که توسط فرانک آلتشول (۸) که رادیوی آزاد اروپا (۹) را راه اندازی کرد، و ایستگاه سیا طی جنگ سرد بود. او در عین حال همکار نزدیک ویلیام جی. دونوان (۱۰) بود، که ریاست سرویس های مخفی ایالات متحده در سال های ۵۰ و بنیانگذار دفتر خدمات ستراتژیک را به عهده داشت، یعنی نیاکان سازمان سیا.

۱۱. گزارشگران بی مرز در گذشته تلاش وافری به کار برد تا اختناق و فشارهایی که ارتش ایالات متحده روی روزنامه نگاران اعمال می کرد را به سکوت برگزار کنند. بر این اساس، گزارشگران بی مرز خیلی دیر به یادآورد - ۵ سال بعد از واقعه - که سامی الحاج روزنامه نگار تلویزیون قطری الجزیره در افغانستان توسط مقامات ایالات متحده بازداشت و شکنجه شد و سپس او را به گوانتانامو منتقل کردند. سامی الحاج سرانجام روز ۱ می ۲۰۰۸ پس از ۶ سال اسارت و درد و رنج آزاد شد. در نتیجه برای گزارشگران بی مرز ۵ سال تجسس و تحقیق ضروری بود تا کشف کنند که سامی الحاج تنها به دلیل انجام کار روزمره حرفه ئی اش در روزنامه نگاری بازداشت شده بوده و تحت شکنجه قرار گرفته است.

۱۲. در گزارشی به تاریخ ۱۵ جنوری ۲۰۰۴، گزارشگران بی مرز مسؤلیت ارتش ایالات متحده را در مورد قتل روزنامه نگار اسپانیایی خوزه کوزو(۱۱) و همکار اوکرائینی او به نام تاراس پرونیسوک(۱۲) در هتل فلسطین در بغداد را کتمان کرده است. به گفته خانواده خوزه کوزو، «نتایج پرونده قاتلان عینی و شناسائی تیراندازی به هتل فلسطین روی بی طرفی تردیدآمیز اشخاصی که در این ماجرا شرکت داشتند تنظیم شده است، و شهادت افراد و مسؤولان تیراندازی، مسؤولیت تیراندازی از سوی افراد ناشناس را مردود می سازد. اجرای پرونده توسط روزنامه نگاری به نام ژان- پل ماری(۱۳) به امضاء رسیده است که مناسبات آشکاری با سرهنگ فیلیپ دوکمپ(۱۴) دارد که مسؤولیت شرکت خود را در حمله و مرگ روزنامه نگاران در هتل فلسطین پذیرفته است، و علاوه براین، گزارش او به شهادت سه روزنامه نگار تکیه دارد که به نیروهای امریکای شمالی نزدیک هستند، از جمله - کریس توملینسون (۱۵) - از اعضای سرویس های اطلاعاتی ارتش ایالات متحده طی هفت سال، به هیچ یک از روزنامه نگاران اسپانیایی که در هتل حضور داشته اند مراجعه نشده است.» ۱۶ جنوری ۲۰۰۷، قاضی مادرید سانتیاگو پرداز(۱۶) یک مجوز قانون بین المللی برای بازداشت سرگروهیان شاوون گیسیون(۱۷)، سروان فیلیپ ولفورد(۱۸) و سرهنگ فیلیپ کامپ به جرم مسؤولیت در قتل خوزه کوزو و تاراس پرونیسوک صادر که البته گویا که این جرم از سوی گزارشگران بی مرز بخشیده شده است.

۱۳. گزارشگران بی مرز طی ۲۰۰۳ در مدح حمله به عراق نوشتند و گفتند که «سرنگونی دیکتاتور عراق صدام حسین به سی سال تبلیغات رسمی رژیم حاکم خاتمه بخشید و دوران آزادی نوین و مملو از امید برای روزنامه نگاران عراقی آغاز شده است. با بمباران وزارت اطلاعات در بغداد، روز ۹ اپریل ده ها سال محرومیت کامل از آزادی نشریات به پایان رسید.»

۱۴. روز ۱۶ اگست ۲۰۰۷، رادیو «کارشناس کارشناسی»، رابرت منارد که در آن دورن دبیر اول گزارشگران بی مرز بود، استفاده از شکنجه را جایز دانست.

۱۵. گزارشگران بی مرز از کودتا علیه رئیس جمهور هائیتی ژان برنارد آریستید که توسط فرانسه و ایالات متحده راه اندازی شده بود پشتیبانی کرد و نوشت: «آزادی باز یافته برای مطبوعات: امید تازه».

۱۶. اپریل سال ۲۰۰۲ وقتی کودتای سازمان یافته توسط واشینگتن علیه هوگو چاوز انجام گرفت، گزارشگران بی مرز روز ۱۲ اپریل ۲۰۰۲ گزارشات کودتاگران را بی هیچ تأملی تکرار کردند و کوشیدند تا به افکار عمومی جهان ثابت کنند که هوگو چاوز استعفاء داده است: «به کاخ ریاست جمهوری عقب نشینی کرد و زیر فشار ارتش شبانه استعفاءی خود را امضاء کرد. سپس او را به قرارگاه توئینا پایگاه نظامی اصلی در کاراکاس منتقل کردند. پدرو کارمونا رئیس «فدکاماراس» فوراً اعلام کرد که مدیریت دولت موقت را به عهده خواهد گرفت. او اظهار داشت که گزینش او به توافق جامعه مدنی ونزوئلا و فرماندهی نیروهای نظامی صورت گرفته است.»

۱۷. گزارشگران بی مرز هیچ گاه به مورد مومیا ابوجمال روزنامه نگار سیاه پوست توجهی نشان نداده و از حرف زدن درباره او اجتناب کرده اند. مومیا ابوجمال از سی سال پیش در زندان های ایالات متحده به سر می برد. جرم او تهیه گزارش برای افشای خشونت پولیس در رابطه با اقلیت ها بوده است.

۱۸. گزارشگران بی مرز دائماً علیه کوبا اردوی تبلیغاتی به راه می اندازند. در حالی که از سال ۱۹۵۶ هیچ روزنامه نگاری در کوبا به قتل نرسیده است. در خصوص این موضوع، سازمان گزارشگران بی مرز در رابطه تنگاتنگ با واشینگتن فعالیت می کند. از سال ۱۹۹۶، سازمان کنشگران بی مرز در پاریس با استوارت ایزنستیت(۱۹) سفیر ویژه دولت کلینتن در امور کوبا ملاقات کردند.

۱۹. روز ۱۶ جنوری ۲۰۰۴، گزارشگران بی مرز با دست راستی های افراطی کوبا در فلوریدا گردهمایی تشکیل دادند تا راهکار مشترکی در جنگ رسانه ئی علیه دولت کوبا تدارک ببینند.

۲۰. گزارشگران بی مرز چندین اردوی تبلیغاتی در روزنامه ها و مجلات، و به همین گونه به وسیله رادیو و تلویزیون راه اندازی کردند تا سیاحان را از مسافرت به کوبا منصرف سازند. این موضوعی است که نخستین گزارش کمیسیون مدد رسانی به کوبای آزاد است که توسط رئیس جمهور بوش در می ۲۰۰۴ منتشر شده و هم زمان مجازات های بیشتری علیه کوبا را پیشبینی می کند. این گزارش در عین حال از گزارشگران بی مرز در صفحه ۲۰ نقل قول آورده است.

۲۱. گزارشگران بی مرز به شکل آشکار اعتراف می کنند که تنها به امور کشورهای توسعه نیافته می پردازند: « ما تصمیم گرفته این که نقض آزادی مطبوعات در بوسنی و گابا و ابهامات رسانه های الجزائر یا تونس... را مورد بررسی قرار دهیم و افشاء کنیم، ولی به انحرافات موجود در فرانسه نمی پردازیم». چرا؟ « زیرا با چنین کاری، ما در خطر رنجاندن برخی روزنامه نگاران، و برانگیختن برخی کارفرمایان بزرگ مطبوعات قرار می گیریم و به همین گونه قدرت اقتصادی. در نتیجه، ما برای رسانه ئی سازی خود به تبانی و همکاری روزنامه نگاران و پشتیبانی صاحب کاران مطبوعات و پول قدرت اقتصادی نیازمند هستیم».

۲۲. ژان-کلود گیبود از بنیانگذاران گزارشگران بی مرز و نخستین رئیس انجمن، سازمان را در سال ۱۹۹۳ ترک کرد. او دلیل کناره گیری اش را چنین توضیح داده است: « من فکر می کردم که یک چنین سازمانی نمی تواند حقانیت داشته باشد مگر این که کار نقد را به کارکرد رسانه های غرب گسترش دهد. چه این که انحراف در کار روزنامه نگاری باشد (تحریف و غیره) یا کار و تأمل عمیق درباره سیر تحولی و کارآینده این حرفه و امکان نقض آزادی در دموکراسی. در غیر این صورت ما به استعمارگران نوین تبدیل یا تلقی خواهیم شد که با تکبر به دیگران درس می دهند: وقتی ما رهبران کشورهای دیگر را به نقض آزادی مطبوعات در کشور خودشان متهم می کنیم، پرسشی که خود به خود در رابطه با خود ما می تواند مطرح شود، این است که ما از آزادی خودمان چگونه استفاده می کنیم. حتی اگر دلایل یکی نباشد، این پرسشی اساسی به نظر می رسد و من فکر می کردم که باید ۵۰ درصد فعالیت و انرژی و وقتمان را به آن اختصاص دهیم [...]». به تدریج که انجمن گسترش می یافت، عملیات بیش از پیش وجهه نمایشی پیدا می کرد. دو پرسش مطرح شد: آیا نباید تناقض موجود در برخی انحرافات نظام رسانه ئی را افشاء کنیم و از همان برای شیوه کار اتهام زنی استفاده کنیم؟ روبرت منارد به سهم خودش فکر می کرد که با هر گونه فعالیت انتقادی در رابطه با رسانه ها را باید کنار بگذاریم تا بتوانیم از پشتیبانی روزنامه های بزرگ و شبکه های بزرگ تلویزیونی برخوردار شویم [...]». این رسانه ها خیلی به نشریات ضد چاوز در ونزوئلا نزدیک بودند. شاید می بایستی کمی با احتیاط بیشتری عمل می کردیم. من فکر می کنم که خیلی کم درباره ایالات متحده حرف می زنند.

۲۳. روزنامه لیبراسیون اگر چه یکی از طرفداران سازمان است، می نویسد که گزارشگران بی مرز در مورد انحرافات رسانه های غربی سکوت می کنند: « از این پس، آزادی بیان جنوبی خواهد بود و یا نخواهد بود». خیلی ها « گزارشگران بی مرز را سرزنش می کنند زیرا خیلی علیه کوبا و ونزوئلا سخت گیری می کند در حالی که در رابطه با ایالات متحده خیلی به نرمش رفتار می کند».

۲۴. گزارشگران بی مرز هرگز مناسبات خود را با جهان قدرت پنهان نکرده است: «یک روز، ما به مشکل بی پولی برخورد کردیم. من به یکی از صاحبکاران صنعتی، فرانسوا پینو (۲۰) تلفن زدم که او به ما کمک کند. [...] او فوراً به درخواست من پاسخ گفت. این تنها چیزی است که به حساب می آید» زیرا « دوست عزیز اگر قانون گرانشی نیوتون وجود دارد، قانون پول هم وجود دارد».

۲۵. در نتیجه، دور از فراخواست های بی طرفدارانه و دفاع از آزادی مطبوعات، گزارشگران بی مرز عملاً دارای برنامه سیاسی مشخصی هستند و دائماً به کشورهای امریکای لاتین نوین حمله می کنند.

فهرست اسامی به لاتین:

- 1) *National Endowment for Democracy.*
- 2) Allen Weinstein
- 3) Carl Gershman
- 4) *Center for a Free Cuba*
- 5) Franck Calzón
- 6) José Antonio Llama
- 7) *Overbrook Fondation*
- 8) Frank Altschul
- 9) Radio Free Europe
- 10) William J. Donovan
- 11) José Couso
- 12) Taras Protsyuk
- 13) Jean-Paul Mari
- 14) Philip de Camp
- 15) Chris Tomlinson
- 16) Santiago Pedraz
- 17) Shawn Gibson
- 18) Philip Wolford
- 19) Stuart Eizenstat
- 20) *François Pinault*

آدرس الکترونیک متن اصلی :

[25 vérités sur Reporters Sans Frontières](#)

[Salim Lamrani](#)

<http://www.michelcollon.info/25-verites-sur-Reporters-Sans.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۸ می ۲۰۱۴ حمید محوی | پاریس | ۸ می ۲۰۱۴

۲۵ حقیقت درباره گزارشگران بی مرز]

*- دکتر در زمینه بررسی های شبه جزیره ایبری و امریکای جنوبی از دانشگاه پاریس ۴ سوربن،

او کارشناس مناسبات کوبا و ایالات متحده نیز هست.

سایت **انوستیگ** اکسیون

به مدیریت میشل کولن

۶ می ۲۰۱۴